

در احوالات بی برقی ها

باور بکنید کلهم گرم شدیم
از رشت و نطنز تا به قم گرم شدیم
جز غاله و سرخ تا بدان حد که شویم...
تبدیل به ذرات اتم، گرم شدیم!

من را نکشد قوی تر م خواهد کرد
محفوظ ز صدا تا خطر م خواهد کرد
این قطعی ها فوایدش بسیار است
با خاصیتش خوب خرم خواهد کرد!

این قطعی یک دفعه ای و جنگی تو
این آمدن و رفتن آونگی تو
حیرت زده کرده کل یک ایران را
احسنت به حجم ناهماهنگی تو!

این برق نیامده مجدد رفته
چندی ست که بی حساب و بی حد رفته
تست است بسنجند قطار طاقت
در راه بمانده یا به مقصد رفته!

الهه ایزدی



رویا های چسبناک

در این گرما بسی شربت چسبید
فشار برق بی منت چسبید
و بایار و کنارش خانواده
به کنج و گوشه ای خلوت (!) چسبید
بدون معطلی گیری توانایی
به یک آبی و بی نوبت چسبید
هدایایی گران قیمت چو لپ تاپ
و آی پد، گوشی و ساعت چسبید
چوروزی ام شود تزییق و اکسن
به دلخواه خودم «برکت» چسبید
و وای بی عوض، بی سود و بهره
اگر باشد به این صورت، چسبید
همان «چیز همیشه» گویی و بس
سفارش از سر عادت چسبید
بچرخه در خیابان با فزای
شده حتی به عاریت چسبید
«وصال اوز عمر جاودان به»
شود فالت و آن نیت چسبید
چو اشعارت بگر دد واقعت
و این گونه شود قسمت، چسبید
شیماتنی عشری

پیامک روز

پر سش، پاسخ، انتقاد، پیشنهاد، تعریف، تمجید، به به و
چه چه خود را با کلمه «دارکوب» بفرستید:
پیامک ۲۰۰۹۹۹۲۰ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
دارکوب تو فتوکاتور هفته قبل به این پیرمرد پیر حاشیه چی
کار داشتی؟ بذار بنده خدا چایش رو بنوشه!
دارکوب: اتفاقات از این پیرمرد پیر حاشیه رو پیدا کردیم و به این
راحتی هانمی داریم جای خوش از گلوش بره پایین!
دارکوب: کارتون آیین همسر داری خیلی مفید بود، من تو خونه
اجراش کردم و نزدیک بود کار من و همسر م به جدایی بکشه!
دارکوب: مفید؟ پس اگه مضربود کار به کجای کشید؟
آق کمال جات خالی مو الان تو این جز گرما جلوی کولر
نستست!

آق کمال: خوش به حال تان، فقط خواهشن یاد اونایی که آب
وبرق ندرن هم باشن.
دارکوب: به هر نونوایی که می روی نون معمولی ندارن. دوسه دانه
کنجد روی نون می ریزن و گرون تر حساب می کنن!
دارکوب: فعلا که همون هم گیر نمیاد و اگه نونوایی باز باشه،
باید مثل ۲۰ سال پیش یکی دو ساعت توصف بایستیم!
دارکوب چرا وقوع زل زله این روزها زیاد شده؟
دارکوب: شاید مربوط به افزایش لحظه ای قیمت هاست که
تن و بدن هارو می لرزونه؟!
دارکوب: به نظرت سوال های کنکور امسال سخت بود
یا آسان؟
دارکوب: راستش اگه من حتی از کنارش هم رد بشم کهیر
می زنم، برای همین اصلا بهشون نگاه هم نکردم!
آق کمال با این قطعی و خاموشی های مکرر برق چطوری
برار؟
آق کمال: به قول رامبد: عالی!
این طرح تعطیلی پنجشنبه ها خیلی خوبه. با تعطیلات آخر
هفته دوره خستگی مون در میره.
دارکوب: به شرطی که تو پنج روز دیگه هفته هم کار کنیم تا
خسته بشیم!



قطع بی برنامه برق



کار نویسند: محمد بهادری

توثیت روز

لایبی زیر تریلی باسیکس فک!

کاش نوید محمدزاده وقتی می ره لباس بخره امیر
جدیدی رو هم با خودش ببره. همیشه نوید تنها می ره،
سرش کلاه می دارن!
به اونایی که کثلت رو با برنج می خورند اعتماد نکنید!
اون روز که می گفتین بوی عرق به مرد بهتر از بوی عطر
یه نامرده، فکر می کردم حرف چرندی می زنید، ولی الان
که عطر گرون شده به نظرم حق باشماست، بهتره مثل یه
مرد بوی گند عرق بدم!
کمپوت آناناس شده ۵۰ تومن. این جوری بخوای بری
کاش نوید محمدزاده وقتی می ره لباس بخره امیر
جدیدی رو هم با خودش ببره. همیشه نوید تنها می ره،
سرش کلاه می دارن!
به اونایی که کثلت رو با برنج می خورند اعتماد نکنید!
اون روز که می گفتین بوی عرق به مرد بهتر از بوی عطر
یه نامرده، فکر می کردم حرف چرندی می زنید، ولی الان
که عطر گرون شده به نظرم حق باشماست، بهتره مثل یه
مرد بوی گند عرق بدم!
کمپوت آناناس شده ۵۰ تومن. این جوری بخوای بری



کار نویسند: هادی لکزیان

رونمایی از «سلحشور» نماد عروسی مبارزات ووشو

خوبیش اینده اگه باخت، می تونه بره دم فلاقلی محل و حسابی
مشتتری جذب کنه!

آیین
همسر داری

این قسمت: همکاری در کارهای خانه



● مرد: عزیزم دیدم خیلی خسته شدی، خودم پاهامو آوردم بالا که
لازم نباشه زحمت بکشی بهم بگی!

● زن: عزیزم حس کردم از دیدن فوتبال خسته شدی ولی حالشو
نداری کانال رو عوض کنی، خودم زدم این کانال سریال ببینیم!

از اون لحاظ

کلنگ توی جیب نگذار عزیز!



محمد علی محمد پور

طنز پرداز

قدیم هایک معمایی داشتیم که می گفت: «آن چیست
که چستان است، در جیب لینچان است.» البته
برای آن موقع مشخص بود که جواب شمشیر است.
برای نسل جدید توضیح بدهم که لینچان یک مبارز
شمشیر زن بود که با ظلم مبارزه و دشمنان خودش
را به صورت عمودی یا افقی به دو نیم می کرد یا حتی
نگینی خرد می کرد. خب طبیعی بود که لینچان
شمشیر داشته باشد، همه پذیرفته بودیم. اما دیگر
هیچ کدام تصمیم نمی گرفتیم به تبعیت از او توی
جیب مان قمه و شمشیر بگذاریم که اگر یک نفر پرسید
«چاقو داری»، شرمنده نشویم و آن را در بیاوریم بگوییم:
«آره. مشکلیه؟» اما این روزها چیزهای عجیب زیاد
می بینیم. البته ما باید نسل امروز را درک کنیم که
زندگی شان اقتضائات و تنوع خودش را دار دولی واقعا
این که یک دختر نوجوان توی پارک از توی شلوارش
شمشیر بیرون بکشد، دیگر برای تصور من قفل بود.
اگر این روزها گذرتان به پارک ها افتاده باشد، کلا
نوجوانان آن جاذبای خاص خودشان را دارند که
خیلی با دنیای ما فرق دارد. اصلا جامعه به دو قسمت
نوجوانان توی پارک و بقیه مردم این را تبدیل شده است.
من به طور جدی از همه می خواهم درک کردن و ارتباط
گرفتن با نوجوان ها را جدی بگیرند تا نسل امروز
خودش را جدا از جامعه حس نکند. الان آسیب هایی
که سر راه نوجوانان قرار دارد، خیلی بیشتر از زمان
قدیم است. قبلا ما از کودکی و نوجوانی در نهایت
یک چرخ گوشت دم دست مان بود که دست مان را
داخلش می کردیم، یعنی صفحه حوادث روز نامه ها
هر وقت خبر کم می آورد یک کودک دستش را توی
چرخ گوشت می کرد. با با گوشت توی یخچال بود،
چرا ما دست توی چرخ گوشت می کردیم؟ آهان به
نسل امروز که گوشت توی یخچال نمی بینند لازم
است توضیح بدهم گوشت یک چیزی بود که آن موقع
داخل یخچال می گذاشتیم و هر چند وقت یک بار
می خور دیم. الان که همه گیاه خوار شده اند و از هر
پارکی رد می شوی عده ای دارند گل و گیاه مصرف
می کنند. از بحث دور نشویم. کلا آسیب های زیادی
وجود دارد و مدل لباس ها هم یک جوری است که هر
چیز تویش پیدا می شود. من یک بار خودم دیدم توی
یک پارک می خواستند پروژه شیر آب خوری را شروع
کنند، کلنگ نداشتند. از یک نوجوان که از آن جا
رد می شد پرسیدند: «کلنگ داری؟» یک کلنگ
از توی شلوارش دراورد و گفت: «آره مشکلیه؟»
در مجموع امیدواریم بتوانیم دنیای نوجوان ها را
بیشتر درک کنیم. این که بگوییم حتما ساعت فلان
خانه باش و دیگر خیال مان از همه چیز راحت باشد،
درست نیست. چون نکته این جاست که یک نوجوان
ساعت ۱۲ ظهر هم می تواند شمشیر از توی شلوارش
در بیاورد.

نیاز طنزی

قیمت مناسب

استثنایی

یک دستگاه آپارتمان ۲۵۰ متری

دوبلکس دارای نورگیر کافی در

محله مناسب، بالکن روبه کوچه،

سرویس بهداشتی، تهویه مناسب،

موکت نرم، کلمن آب یخ، تازه ساز

آماده پذیرایی از تورهای مسافرتی

خانوادگی سه روز و دو شب، برای

بازدید و گذران اوقات خوش، بادو

عکس رایگان برای اینستا

پناهگاه املاک آرزوهای محال مله



کار نویسند: حسین نقیپ



زندگی سلام •
پنج شنبه •
۲۴ تیر ۱۴۰۰ •
شماره ۱۹۳۰

دارکوب